

## با اول ماه مه چه کنیم؟



اول ماه مه امسال از راه می رسد و این در شرائطی است که جنبش طبقه ما در سراسر دنیا زیر شلاق قهر و سرکوب، عقب نشینی ها و به کجراهه غلطیدن ها بیش از حد فرسوده و فرومانده است. ما در چنین وضعی قرار داریم، سالیان متمادی است که این وضع را با تمامی رقت بار بودنش تحمل می کنیم. هر روز بسیار وخیم تر و درناک تر از روز پیش تحمل می نمائیم. سرمایه، دولت های سرمایه داری، اتحادیه های کارگری جهان، سندیکاسازان و سندیکاپرستان هر کشور، طیف رفرمیسم چپ، همه و همه انداموار یا در حال ستیز با هم، در یک جبهه وسیع، سراسری و بین المللی دست به دست هم داده اند تا از این وضع پاسداری کنند. تا جنبش طبقه ما راه ضد کار مزدی در پیش نگیرد، علیه اساس سرمایه پیکار نکند، دورنمای انتظار خود را در جایگزینی شکلی از برنامه ریزی نظم سرمایه داری با شکل دیگر آن خلاصه نماید، تا این جنبش در همه وجوه هستی خود از جمله در مراسم روز جهانی کارگر، روز اول ماه مه، هر چه موحش تر در بیابان های وحشت و دهشت آکنده از مه توهم به راه حل ها، راهبردها، راهکارها، انتظارات و افق های سرمایه دارانه غرق باشد. روز اول ماه مه امسال، در چنین وضعی پیش روی ما قرار می گیرد. وضعیتی گواه این واقعیت شوم که عنان قدرت جنبش طبقه ما همه جا در دست دشمنان طبقاتی ما، در دست این جناح و آن جناح طبقه سرمایه دار، در دست رفرمیسم راست سندیکالیستی، احزاب سوسیال دموکرات، سندیکاسازان رفرمیست، چپ های سینه چاک استقرار سرمایه داری دولتی و نوع این ها است.

این وضع در جامعه ما از بسیاری جاها وحشتناک تر و فاجعه بارتر است. در اینجا سرمایه با تمامی قدرت هر اعتراض و هر نفس کشیدن را در هم می کوبد، ما را در میان شعله های سرکش گرسنگی، فحشاء، بی مسکنی، بی بهداشتی، فقر، بی داروئی، بی آموزشی و تمامی اشکال بی حقوقی خاکستر کرده است. اصلاح طلبان حکومتی و طیف نیروهای متحد آن ها با زرادخانه های عظیم مسخ سازی، تحجرآفرینی، تحمیق و شستشوی مغزی به جان توده های ما می افتند تا کل دار و ندار قدرت آن ها را نردبان تسویه حساب های درونی خود با مافیای مسلط قدرت سیاسی روز سرمایه داری کنند، خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و کل نهادهای جاسوسی و پلیسی و امنیتی و سرکوب سرمایه از درون و از اعماق جنبش ما همان می کنند که اصلاح طلبان ددصفت کارگرکش می خواهند. مشکل اصلاً به همین جا ختم نمی شود. طیف سندیکالیست ها، سندیکاسازان و فرقه های چپ نمای مدعی تعلق به طبقه ما و داعیه دار قیومت جنبش طبقاتی ما نیز هر چه در توان دارند به کار می گیرند تا ما به هر کاری دست زنییم جز اینکه مبارزه ضد سرمایه داری و ضد کار مزدی نکنیم.

روز اول ماه مه در اینجا، همسان هر جنب و جوش و هر لحظه حیات اجتماعی طبقه ما آماج هجوم همه این قدرت ها، همه این تهاجمات و لشکرکشی ها از هر دو سوی، از جانب ماشین دولتی سرمایه و همزمان شمار کثیر نیروهای مدعی

نمایندگی و رهبری و سرکردگی اعتراضات توده های طبقه ماست. همگی از برگزاری مراسم روز کارگر می گویند، همه ما را به مجالس و مراسم، یا تظاهرات خود دعوت می کنند، همه به نام ما سخن می رانند، به نام ما قطعنامه صادر می کنند، به نام ما لیست مطالبات تنظیم می نمایند و همه کارهای دیگر انجام می دهند. روز اول ماه مه روز ماست، روز طبقه ماست، طبقه ای که در بنیاد هستی خود با سرمایه و نظام سرمایه داری در جنگ است، طبقه ای که باید هر لحظه و هر نفس و همه چیزش از جنگ مستمر علیه سرمایه نشان دهد. مطالبات روزمره اش از صدر تا ذیل ضد کار مزدی باشد، دورنمای زندگی و پیکارش دورنمای شفاف الغاء کار مزدوری و نابودی تام و تمام بردگی مزدی باشد، هر راهکار مبارزه اش اعمال بیشترین قدرت ممکن و مقدور علیه سرمایه داری را منعکس کند، سازمانیابی اش ظرف گسترده و بستر باز یک جنگ توفنده همیشگی علیه سرمایه را به نمایش بگذارد. طبقه ای که باید همه عرصه های حیات اجتماعی خود را سنگر تعرض به شیرازه وجود سرمایه سازد، در هیچ زمینه ای به حاکمیت و قدرت و استیلای سرمایه تمکین نکند، در همه میدان ها علیه سرمایه، علیه تمامی تبعات هستی سرمایه بشورد و در همه جا پرچمدار رهائی بشر از شر نظام بردگی مزدی باشد. طبقه ما عهده دار چنین رسالت و چنین نقشی است و اول ماه مه او باید نمایش گویای ایفای این نقش باشد.

وضع موجود در همه شئون خلاف این است. ما از هیچ صف مستقل ضد سرمایه داری برخوردار نیستیم. حول هیچ منشور مطالبات پایه ای ضد کار مزدی متشکل نشده ایم، هیچ سازمانیابی شورائی ضد سرمایه پدید نیآورده ایم، مبارزه روز ما بر بستر تعرض به شیرازه حیات بردگی مزدی به پیش نمی تازد، راهکارهای جنبش ما راهکارهای ضد کار مزدی نیست، جدال ما با دولت سرمایه از سنگر توفنده ضد سرمایه داری سرچشمه نمی گیرد، در اعتراض به استثمار مضاعف و بی حقوقی مشدد و تبعیضات جنسی مسلط دامنگیر میلیون ها زن طبقه مان از آوردگاه زلال ضد کار مزدی عزیمت نمی کنیم، در مبارزه برای آزادی های سیاسی و حقوق اجتماعی و انسانی خود در میدان کارزار واقعی ستیز با سرمایه سنگر نمی گیریم. ما هیچ کدام از این کارها را نمی کنیم و درست به همین دلیل به رقت بارترین و درناک ترین موقعیت صف آرائی و جدال علیه نظام سرمایه داری فرو غلطیده ایم. سندیکالیست ها برای ما نسخه سندیکا می پیچند، رفرمیست های راست مطالبات روز طبقه ما را در بسته بندی های زشت رفرمیستی وسیله داغی بازار کسب و کار خود می کنند. احزاب و فرقه ها از ما می خواهند که پاره پاره شویم، متفرق گردیم و هر چند نفرمان در پشت ویتترین های حزبشان مدل داد و ستد و بازار فروش قدرت آنان شویم. همه به ما می گویند که اول ماه مه را در زیر پرچم آنان برگزار کنیم. حول مطالبات سراسر رفرمیستی و سندیکالیستی آنان سینه بزنیم، حزب و فرقه آنان را بلند آوازه سازیم، دکه سندیکای آنان را رونق بخشیم و فراوان از این نوع کارها که لحظه به لحظه خروارها به حجم تمامی سایت های اینترنتی و رسانه هایشان به ما تحویل می دهند. و سوال اساسی همچنان این است که ما خود، ۵۰ میلیون توده بردگان مزدی سرمایه در ایران چه کار کنیم و در روز اول ماه مه دست به کدام کارها بزنیم. پاسخ ما به این پرسش این هاست. بیائید کمی فکر کنیم، زانوی فکر در بغل بفشاریم، هستی خود را و طبقه جهانی خود را مرور کنیم، در آنچه هستیم تعمق نمائیم. به این بیاندیشیم که کی هستیم، چه می کنیم و رابطه ما با جهان هستی چیست. این کار خیلی آسان نمی باشد، اما دانش چندان زیادی لازم نیست تا حداقل شناخت را از خویش به دست آریم. طبقه ای هستیم بین المللی، طبقه روشندگان نیروی کار، طبقه ای که کل سرمایه های جهان حاصل کار و استثمار اوست. هر ذره ثروتی که در دنیای کنونی موجود است یکسره با دستان توده های طبقه ما تولید گشته است. هر چه کارخانه است، هر چه تجارتخانه است، هر چه مزارع و کشت و صنعت است، هر چه تولیدات معدنی عظیم در دنیا است، هر کجا سنگی بر روی سنگ قرار گرفته است، هر چه مدارس و دانشگاه و بیمارستان است، هر چه کاخ و کومه و ویلا و آسمانخراش در جهان یافت می شود، هر چه راه

و جاده و وسائط حمل و نقل زمینی و دریای و هوایی به چشم می آید، کل امکانات آموزشی و درمانی و بهداشتی دنیا، تمامی آنچه که هزینه تحصیل و تحقیق و اکتشاف و اختراع می شود، خلاصه کنیم، کل آفریده های کار در سراسر جهان ارزش ها و اضافه ارزش ها، ثروت ها و سرمایه هائی است که ما بردگان مزدی سرمایه خلق کرده ایم. ما این هستیم و حال در ادامه همین فکر کردن از خود سؤال کنیم که چه داریم و با چه وضعی دست به گریبانیم. پاسخ این سؤال بسیار ساده است، به زندگی و روابط اطراف خود نظر اندازیم. سهم ما از کل آفریده ها و محصول کارمان گرسنگی و فقر و بیکاری و بی دارویی و بی بهداشتی و بی آموزشی و فلاکت و بی مسکنی و سایر اشکال سیاه روزی هاست. هیچ چیز نداریم و زنجیر بردگی مزدی که در سراسر جهان بر دست ها و پاهایمان قفل است تمامی دار و ندار است که با خود حمل می کنیم. از جمعیت ۵ میلیاردی ما در دنیا هر دقیقه ده ها کودک زیر فشار گرسنگی میمیرند، ده ها کودک دیگر بر اثر بی دارویی و بی درمانی جان خویش را از دست می دهند، از هر سه نفرمان که می میریم یک نفر در زیر شلاق گرسنگی و فقدان آب و غذا از هستی ساقط می گردیم، بیش از یک و نیم میلیارد از هم زنجیرانمان از داشتن آب سالم آشنامیدنی محرومند، یک و نیم میلیارد نفر دیگر از توده های طبقه مان دسترسی به هیچ دکتر و دارو و درمانی ندارند. حدود یک میلیارد از آحاد همزنجیران ما از شب تا صبح تقلا می کنند تا نیروی کار خود را به ثمن بخش بفروشند اما هر چه می جویند کمتر می یابند و همگی در منجلاب بیکاری و فقر دست و پا می زنند. وضع ما این گونه است. زیرا حاصل کار ما یکسره سرمایه می شود و همین سرمایه، همین حاصل استثمار ماست که بر هست و نیست و همه وجوه سرنوشت ما حکم می راند. سرمایه مدام عظیم تر و عظیم تر می گردد و همزمان ما مفلوک تر و مفلوک تر می شویم، سرمایه در هر دم و بازدم نیرومندتر می شود و ما بالعکس فرسوده تر و فرسوده تر می گردیم، سرمایه به طور بی امان رشد می کند و ما نیز بی وقفه دچار استهلاک می شویم. سرمایه ما را بیکار می کند، گرسنه می سازد، بی خانمان و آواره می گرداند، هر صدای اعتراض ما را در گلو خفه می سازد، ما را به زندان می اندازد، به دار اعدام می آویزد، سرمایه این کارها را با قوای سرکوب، با سلاح قانون، با مدنیت، با ساختار نظم، با ارتش، با پلیس، با کل ماشین دولتی، در بسیاری جاها با اتحادیه های کارگری، با دموکراسی، با سوسیال دموکراسی و به کمک همه ساز و کارها، سلاح ها و کارافزارهای دیگر انجام می دهد. سرمایه هر سال بخش عظیمی از حاصل استثمار ما را صرف سرکوب هر نفس کشیدن ما، صرف انباشتن هر چه بیشتر زرادخانه های نظامی، صرف جنگ افروزی و کشتار همزنجیران ما، صرف معناد ساختن ما و صرف همه اشکال دیگر نابودی ما می سازد.

ما این هستیم و رابطه ما با جهان هستی این است و حال به پرسش اساسی خود باز گردیم. طلوع سپیده دمان اول ماه امسال در راه است. روزی که همگان آن را روز جهانی کارگر می خوانند. در این روز قرار است چه کنیم و برنامه کار ما برای روز جهانی طبقه خویش چیست؟ پاسخ را باید از دل آنچه توضیح دادیم بیرون آورد. هر چه سرمایه و ثروت و امکانات و رفاه و دارائی و وسائل تولید و کار و زندگی در دنیا است حاصل کار و استثمار ماست و ما سوای زنجیرهای بردگی مزدی قفل شده بر دست و پای خویش هیچ چیز نداریم. روز اول ماه مه را به روز شورش و طغیان علیه این وضعیت تبدیل کنیم، بیائید چنین کنیم، بر سینه همه سندیکالیست ها و سندیکابافان، بر سینه فرقه ها و فرقه سالاران، بر سینه تمامی احزاب و باندهای طبقه سرمایه دار، بر سینه همه کسانی که ما را به اطاعت از نظم سرمایه فرا می خوانند، همه کسانی که ما را به مبارزه سندیکائی و قانونی دعوت می کنند، بر سینه تمامی جریاناتی که ما را نردبان قدرت فرقه و حزب خود می خوانند، بر سینه همه این ها با تمامی توان دست رد کوبیم. بیائید با صدای بلند در درون هر محیط کار، هر محله و هر کجا که هستیم، متحد، هماهنگ و همزرم، کل قدرت موجود خویش را وارد میدان کارزار کنیم تا میزان هر چه عظیم تر حاصل کار و استثمارمان را از چنگال قهر و توحش نظام بردگی مزدی خارج سازیم.

بیانید همه جا فریاد سر دهیم که آماده این کاریم، آماده ایم که برای خارج نمودن هر چه بیشتر محصول کارمان از حیطة تملک و قدرت سرمایه به طور متحد پیکار کنیم. بیانید این شعار را مانیفست روز جهانی طبقه خود، روز اول ماه مه کنیم.

بیانید به خود اتکاء کنیم، قدرت لایزال و تاریخساز ضد سرمایه داری طبقه خویش را بشناسیم، این قدرت را به طور متحد و متشکل علیه سرمایه به کار گیریم، خودمان از درون همه کارخانه ها، فروشگاه ها، مزارع، از تمامی مراکز کار و تولید، مدارس، بیمارستان ها، دانشگاه ها و هر کجا که محل فروش نیروی کار، محل استثمار، محل درس و زندگی و حشر و نشر ماست دست به دست هم دهیم. منشور مطالبات واقعی ضد سرمایه داری طبقه خود را پرچم روز اول ماه مه خویش گردانیم. حول این منشور با هم عهد بندیم، با هم متحد شویم، جنبش خود را شورائی و ضد کار مزدی سازمان دهیم، بنیاد منشور مطالبات پایه ای ما این است. هر چه هست، محصول کار و استثمار ماست و ما عزم جزم کرده ایم که با اتحاد و سازمانیابی شورائی خود به یک قدرت واحد سازمان یافته ضد کار مزدی تبدیل گردیم. این قدرت را علیه سرمایه اعمال کنیم، با توسل به این قدرت میزان هر چه عظیم تر حاصل کار و استثمار سالیان دراز نسل های متوالی خود را از سیطره مالکیت و قدرت سرمایه خارج سازیم. بر محور مبارزه حول تحقق این منشور، جنبش خود را در وسعت تمامی زندگی و کار و حوزه پیکار توده های طبقه مان شورائی و ضد سرمایه داری سازمان دهیم، هر میزان سازمانیابی مبارزات مان را به پلکانی از تمرکز قوای طبقاتی ضد کار مزدی خویش تبدیل کنیم. در هر گام نیرومندتر و آگاه تر به شریان حیات سرمایه تعرض نمائیم، لحظه به لحظه بر قدرت تعرض خود بیفزائیم، آگاهی خود را افزون تر سازیم، افق جنگ خویش علیه سرمایه را روشن تر و شفاف تر کنیم و در همین راستا نظام بردگی مزدی را برای همیشه در گورستان های کهنه تاریخ دفن کنیم. بیانید پرچم خونریز یک جنگی واقعی کارگری ضد کار مزدی و برای نابودی نظام سرمایه داری را در سراسر آفاق به اهتزاز در آوریم. بیانید در کنار پرچمی سنگر بندیم و کارزار کنیم که پرچم رهائی انسان از زیر یوغ بردگی مزدی باشد.

منشور مطالبات پایه ای ما کيفرخواست روز ما و مانیفست لحظه حاضر پیکار توده های ما در ایران علیه سرمایه است. این منشور بر خلاف تمامی نسخه پیچی های کاریکاتوری سندیکالیست ها و رفرمیست های راست و چپ منشور قبول بردگی مزدی، منشور تمکین به تحکم و حاکمیت و استیلاي قدرت سرمایه داری نیست. منشور مصالحه بر سر چگونگی خرید و فروش نیروی کار نیست، منشور معاهدات فیمابین بردگان مزدی و سرمایه داران و دولت آن ها برای همزیستی مسالمت آمیز در عمق جهنم توحش سرمایه داری نیست. این منشور، میثاق همنواي سندیکالیسم با حزب بازی های فرقه ای عاشقان سینه چاک تغییر نوع برنامه ریزی کار و تولید سرمایه داری نمی باشد، منشور حلق آویزی توده کارگر به دار حزب و سندیکا نیست. منشور مطالبات پایه ای ضد سرمایه داری توده های طبقه کارگر ایران منشور همدلی و همسنگری و همزیمی شورائی و سراسری آن ها برای اتحاد ضد کار مزدی، سازمانیابی شورائی ضد سرمایه داری، تشکیل صف مستقل طبقاتی کارگران علیه سرمایه، اعمال قدرت حداکثر علیه بردگی مزدی، تحمیل بیشترین مطالبات روز بر سرمایه داران و دولت آن ها، هموارسازی راه پیکار نیرومندتر علیه کار مزدی، تاختن به سوی سرنگونی دولت سرمایه و استقرار سازمان سراسری شورائی برنامه ریزی کار و تولید سوسیالیستی با حضور نافذ و خلاق و آزاد همه آحاد کارگران است. بیانید اول ماه مه را روز اتحاد و همزیمی خویش برای تحقق این اهداف کنیم. این روز را روز سنگ بنای اتحاد و تشکل شورائی ضد سرمایه داری خود نمائیم و منشور مطالبات پایه ای ضد کار مزدی را میثاق شروع این جنگ عظیم طبقاتی سازیم.

آوریل ۲۰۱۰

فعالین جنبش لغو کار مزدی